

بررسی تأثیر عوامل دینی و جمعیتی بر روی گرایشهای ارزشی دانشجویان □

مطالعه موردی: دانشگاه علوم پزشکی تهران

سید ابراهیم حسینی بیجی کلا^۱
عباس اسدی^۲
ابومحمد مرتضوی^۳
عبدالرضا بایاری^۴

چکیده

هدف: تحقیق حاضر به منظور شناخت سنجش تأثیر عوامل دینی و جمعیتی بر روی گرایشهای ارزشی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شده و چارچوب نظری آن بر اساس نظریه رونالد اینگلهارت (۱۳۷۳) استوار شده است. **روش:** تحقیق پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق، دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی تهران بوده است. تعداد ۲۸۵ نفر با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده در پژوهش انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. **یافته‌ها:** نشان می‌دهند: ۱. بین میزان دینداری و گرایشهای ارزشی دانشجویان رابطه وجود دارد. ۲. بین میزان دینداری (بعد اعتقادی) و گرایشهای ارزشی دانشجویان رابطه وجود دارد. ۳. بین میزان دینداری (بعد اخلاقی) و گرایشهای ارزشی دانشجویان رابطه وجود دارد. ۴. بین میزان دینداری (بعد مناسکی) و گرایشهای ارزشی دانشجویان رابطه وجود دارد. ۵. بین جنسیت و نوع گرایشهای ارزشی، رابطه وجود ندارد. ۶. بین سن و نوع گرایشهای ارزشی رابطه وجود دارد. **نتیجه‌گیری:** کشور ما به لحاظ اقتصادی، جزء کشورهای جهان سوم است. لذا برای پیشرفت و آبادانی باید با تکیه بر ارزش‌ها و فرهنگ خود قدم بردارد. یکی از این ارزش‌ها، ارزش‌های فرامادی است که می‌توان با استفاده از تمام ظرفیتهای دینی در جهت تقویت آن گامهای مؤثری برداشت.

واژگان کلیدی: ارزش مادی، ارزش فرامادی، جنسیت، سن، دینداری.

□ دریافت مقاله: ۹۰/۰۵/۲۶ ؛ تصویب نهایی: ۹۰/۱۱/۱۲
۱. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول) / آدرس: تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات / شماره: ۰۲۱۶۶۸۶۸۴۰۶ / Email: sami19840@yahoo.com
۲. دکتری جامعه‌شناسی و استادیار دانشگاه علامه طباطبائی / Email: aliabbas1356@yahoo.com
۳. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی / Email: abomohammad_mortazavi@yahoo.com
۴. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا / Email: abdolreza124@yahoo.com

■ مقدمه

مفهوم «ارزش» از مفاهیمی است که بسیاری از محققان حوزه‌های مختلف، همچون: فلسفه، تربیت، اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و دیگر حوزه‌ها، بدان توجه کرده‌اند. البته، این خود موجب ابهام در به کارگیری این مفهوم در هر رشته تخصصی شده و حتی در یک رشته تخصصی نیز کاربردهای متفاوت یافته و تعریف واحدی از مفهوم ارزشها به دست نیامده است (خلیفه، ۱۳۷۸، ص ۱۵). ارزشها درونی‌ترین لایه‌های شخصیت و نسل‌اند و شناخت مطلوب واقعیت‌های درونی هر کس، منوط به شناخت ارزشها و گرایشهای ارزش اوست. ارزشها به عنوان شکل‌دهنده پیامهای نظام رفتاری افراد، دارای بیشترین تأثیر در کنشهای آنها بوده و بر این اساس، مطالعه ارزشهای انسان صرفاً در فهم فرهنگ و جامعه‌پذیری مهم نیست، بلکه در فهم ساخت روان‌شناختی و جهت‌گیری زندگی افراد نیز مهم است. (یوسفی، ۱۳۸۳، ص ۲۷)

ارزشها از یک سو راهنما و تعیین‌کننده گرایشهای اجتماعی و ایدئولوژی و از سوی دیگر، تعیین‌کننده رفتار و کنش اجتماعی هستند که در آداب و رسوم، قوانین، اعتقادات و اصول مقدّس و شیوه‌های زندگی روزمره تجلی می‌یابند. اولویتهایی که افراد به ارزشها می‌دهند، یکسان نیست، این اولویتهای معمولاً منعکس‌کننده خلق و خو، شخصیت و تجربه‌های جامعه‌پذیری، تجربه‌های منحصر به فرد زندگی، فرهنگ پیرامون و مانند آن است. ارزشها، اهداف فرا موقعیتی هستند که در مقام اصول راهنما در زندگی شخص یا گروه اجتماعی خدمت می‌کنند. (Schwartz & Bardi, 2001)

در خصوص تبیین عوامل مؤثر بر ساختار و اولویتهای ارزشی افراد، نظریه‌های متعددی بیان شده است. برای مثال، اینگلهارت، ارزشها را به دو دسته مادی و فرامادی تقسیم کرده است (حسینی بیجی کلا و بایاری، ۱۳۹۰). یکی از مسائل اجتماعی امروز در جوامع، وجود اختلاف ارزشی در روابط خانوادگی است. خانواده به عنوان یکی از نهادهای اولیه، بیشترین سهم را در فرایند اجتماعی شدن فرزندان به عهده دارد. با توجه به کم و کیف روابط خانوادگی و تأثیر عوامل بیرونی، به نظر می‌رسد نظام ارزشی اعضای یک خانواده با یکدیگر متفاوت است. مطالعه حاضر به بررسی تفاوتها و شباهتهای ارزشی دو نسل (والدین و فرزندان) می‌پردازد. ارزشها به عنوان شکل‌دهنده پایه‌های نظام افراد، بیشترین تأثیر را بر کنش انسانها بر جا می‌گذارد. در بُعد فردی و روانی، نظام ارزشهای فردی، مهم‌ترین منبع برای جهت‌گیری درک و شناخت موقعیت خود بوده و در بُعد اجتماعی، مجموعه‌ای از عقاید و نگرشها که فرد در فرایند جامعه‌پذیری آنها را به دست می‌آورد و به طبع، مهم‌ترین منبع هدایت‌کننده کنش متقابل افراد جامعه است.

بررسی تأثیر عوامل دینی و جمیعی بر روی گرایشهای ارزشی دانشجویان ♦ ۱۷۱

در این تحقیق از نظریه دگرگونی ارزشهای اینگلههارت؛ که در آن، ارزشها به دو دسته مادی و فرامادی طبقه‌بندی شده است استفاده شده است. با توجه به تغییرات ارزشی در جامعه اسلامی ایران، رشد و گسترش ارزشهای مادی و نابرابری اجتماعی و به موازات آن تضعیف ارزشهای مذهبی بعد از پایان جنگ در ایران؛ ارزشهای مادی و معنوی مورد توجه قرار گرفته است. بدیهی است که دغدغه نظام سیاسی حاکم در خصوص مسائل اجتماعی کشور، ارتباط وسیعی با این دسته‌بندی از ارزشها دارد و رویکرد نظام را نسبت به این مسائل نشان می‌دهد. در این تحقیق سعی شده به این سؤال پاسخ داده شود که: آیا عوامل دینی و جمیعی بر روی گرایشهای ارزشی دانشجویان مؤثر است؟

▪ ادبیات پژوهش

ارزش: عبارت است از اعتقاد کلی فرد درباره رفتارهای مطلوب و نامطلوب اهداف یا حالت‌های غایی. ارزشها در مرکز مفهوم خودمفهومی قرار دارند و بر تفکر و عمل به طرق مختلف تأثیر می‌گذارند. ارزشها استانداردها یا معیارهایی برای ارزیابی اعمال و پیامدها، قضاوت کردن درباره ایده‌ها و اعمال، طرح‌ریزی و هدایت اعمال، تصمیم‌گیری شقوق، مقایسه کردن خود با دیگران و مدیریت کردن بر تعاملات اجتماعی فراهم می‌کنند. (یوسفی، ۱۳۸۳، ص ۴)

▪ کارکرد ارزشها و نظام ارزشها

جانسون (۱۳۸۳) درباره کارکرد ارزشها می‌نویسد:

۱. هم تبیین‌کننده واقعیت اجتماعی و هم معیاری برای تبیین عکس‌العمل مناسب در برابر آنها هستند.
۲. الگوهای اجتماعی‌ای هستند که در حد پذیرششان از سوی گروهی از افراد، مبنایی برای ایجاد انتظارات مشترک و معیاری برای تنظیم و هدایت رفتار فراهم می‌کنند.
۳. وجود ارزشهای مشترک یا برداشت همسان از یک واقعه خاص، پیش‌بینی متقابلی از رفتار دیگران را برای فرد به وجود می‌آورند و امکان‌پذیر می‌کنند.
۴. افراد را مجهز به قابلیت درک وقایع و موقعیتهای مختلف و کسب معیارهای رفتاری خاص می‌کنند، بی‌آنکه انگیزه‌های شخصی هر فرد را به میان بکشند.
۵. وظیفه تبیین نمادین وضعیتهای گوناگون را بر عهده می‌گیرند و به این صورت، به کنش اجتماعی معنی و محتوا می‌بخشند. به عبارت دیگر، نماد واقعیات اجتماعی به شمار می‌آیند.

۶. برای سازمان دادن به تقسیم کار ضرورت دارند؛ زیرا با بهره‌برداری از آنها، نیاز به استفاده از زور برای انتصاب هر فرد به وظیفه‌ای مشخص رفع می‌شود. (خالقی‌فر، ۱۳۸۱، ص ۳۹-۳۸)
- همچنین کارکردهای دیگری برای ارزشها بیان شده است که برخی از آنها عبارتند از:
۱. ارزشها اهمیت مشارکت مردم در انواع خاصی از پیامدها و انواع خاصی از اعمال را در زندگی‌شان نمایش می‌دهند. این پیامدها و اعمال، ارزش و برتری داده می‌شوند؛ چرا که آنها به رضایت کلی بزرگ‌تری برای افراد، گروه یا اهداف منجر می‌شوند.
 ۲. به گفته دورکیم، آیینهای جمعی - از جمله ارزشها - موجب به وجود آمدن احساسات پرشور و شدید می‌شوند. (استون، ۱۳۷۹، ص ۸۴)
 ۳. نظام ارزشی نقشی مهم در جامعه بازی می‌کند. آنها مبنای فرهنگی برای وفاداری به نظامهای اقتصادی و سیاسی را فراهم می‌کنند. نظامهای ارزشی با عوامل اقتصادی و سیاسی خاص در شکل دادن به تغییر اجتماعی تعامل دارند.
 ۴. رویکرد کارکرد مهم ارزشها را تعیین یا ایجاد معیارهایی می‌داند که به مثابه راهنمای رفتار عمل می‌کنند و اساس قضاوت افراد را در خصوص رفتارهایشان تشکیل می‌دهند. وی همچنین نظام ارزش را همانند یک برنامه کلی می‌داند که در نظام سلسله‌مراتبی فرد، این امکان را به او می‌دهد تا تضادهای ارزشی و رفتاری را حل کند. (فرامرزی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۱)

▪ منشأ ارزشها

رفیع‌پور، ضمن تأکید بر اهمیت انتقال فرهنگی، می‌گوید: اگر ما نتوانیم سرمایه‌های فرهنگی خود را منتقل کنیم، می‌بایست از صفر شروع و خودمان تمام مراحل را که پیشینیان رفته بودند، دوباره طی کنیم. در آن صورت همواره درجا می‌زدیم و هیچ وقت پیشرفت فرهنگی نمی‌داشتیم. (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ص ۳۰۷)

۱. **نیاز به عنوان منشأ ارزش:** آقای رودلف، تعدادی از دانشمندان نظیر شریف و برگمن را نام می‌برد که بر آن تأکید دارند که ارزشهای انسانها در درجه اول، از نیازهای بیولوژیک آنها سرچشمه می‌گیرد؛ یعنی انسان به پدیده‌هایی امتیاز مثبت می‌دهد که در بیشترین حد بتوانند نیازهای او را برآورده کنند. برگمن تأکید دارد که حتی مهم‌ترین ارزشهای یک فرهنگ، اگر با نیازهای بیولوژیکی انسانهای آن در تضاد باشد، دیر یا زود ارزش خود را از دست می‌دهند. این حرف برگمن به این معنی است که مثلاً ارزشهای ایدئولوژیکی در یک جامعه، هر چند که در یک زمان با ارزش باشند و مردم را جذب خود کنند، اما در صورتی که نتوانند به ارضای بهتر

بررسی تأثیر عوامل دینی و جمیعی بر روی گرایشهای ارزشی دانشجویان ♦ ۱۷۳

نیازهای بیولوژیکی مردم آن جامعه کمک کنند یا حتی مانع ارضای آن نیازها شوند، در آن صورت آن ارزشها، ارزش خود را در نظر مردم از دست خواهند داد (همان، ص ۲۷۱-۲۷۰). به عنوان نتیجه از بحث نیازها می توان گفت: تفاوت در نیازمندیها و سطح نیازهای افراد، باعث تفاوت در ارزشهای آنان می شود.

۲. **هنجار به عنوان منشأ ارزش:** یک منشأ بزرگ ارزشها، هنجارها هستند. نفوذ هنجارها بر ارزشها می تواند آن قدر قوی باشد که حتی تأثیر نیازهای جسمی را بر ارزشها خنثی کند. انسانها یا به دلیل ترس از مجازات یا به دلیل احساس محرومیت نسبی و کوشش برای عقب نماندن از دیگران، از هنجارها پیروی می کنند. در این صورت، پیروی از هنجارها برای آنها یک چیز مثبت (ارزش) محسوب می شود. (همان، ص ۲۷۲)

۳. **کمیابی به عنوان منشأ ارزش:** کمیابی، یک منشأ با ارزش شدن پدیدههاست؛ یعنی اگر فراوانی چیزی در جامعه کم باشد، ارزشمند و با ارزش می شود؛ چرا که همگان به نحوی در صدد تحصیل آن هستند (همان، ص ۲۷۳). وی یادآور می شود که ارزشها همواره، تنها از یک منشأ سرچشمه نمی گیرند و گاه یک ارزش، دارای چند منشأ است.

▪ تعریف مفهوم ارزش

ارزش، عبارت است از اعتقاد کلی فرد، درباره رفتارهای مطلوب و نامطلوب اهداف یا حالتی غایی. ارزشها در مرکز مفهوم خودمفهومی قرار دارند و بر تفکر و عمل، به طرق مختلف تأثیر می گذارند. ارزشها استانداردها یا معیارهایی برای ارزیابی اعمال و پیامدها، قضاوت کردن درباره ایدهها و اعمال، طرح ریزی و هدایت اعمال، تصمیم گیری شقوق، مقایسه کردن خود با دیگران و مدیریت کردن بر تعاملات اجتماعی فراهم می کنند (یوسفی، ۱۳۸۳، ص ۵). شوارتز و بلیسکی تعریفی از ارزش ارائه کرده اند که دارای چند وجه اصلی است: ارزشها، مفاهیم یا باورهایی هستند که مرتبط با رفتار یا حالت مطلوب بوده، فراتر از موقعیتهای خاص قرار می گیرند و راهنمای انتخاب و ارزیابی رفتار و حوادث به شمار می روند و بر اساس اهمیت نسبی شان رتبه بندی می شوند (فرامرزی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵). توکویل، رسوم را معادل ارزش می داند که از بطن جامعه کسب می شوند و افکار، نظرها و ایدهها را قلب رسوم می داند که تغییرشان در حد نهایی، اثر مهمی بر رفتار فردی و جمعی و روابط اجتماعی دارد. (Marisa Ferrari, 2000)

تعریف کلاسیک ارزشها به وسیله کلوک هان ارائه شده است: ارزش، یک ایده است که به طور صریح یا ضمنی، تمایزبخش یک فرد یا مشخصه یک گروه است و بر گزینش حالتها، ابزار و اهداف در دسترس

کنشها تأثیر می‌گذارد. (حسینی و بایاری، ۱۳۹۰) چلبی می‌گوید: ارزشها را می‌توان مجموعه‌ای از پنداشتهای اساسی نسبت به آنچه پسندیده است دانست که تجلی‌گاه عمیق‌ترین احساسات مشترک نسبت به جهانیان در جامعه هستند. (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۶۰)

▪ چارچوب نظری

اینگلهارت، ضمن تقسیم‌بندی ارزشها به دو دسته مادی و فرامادی، معتقد است که نظریه مادی - فرامادی بر دو فرض اساسی استوار است:

۱. فرضیه کمیابی که در آن اولویت فرد، بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی اش است؛ به نحوی که شخص بیشترین ارزش ذهنی را به آن چیزهایی می‌دهد که عرضه آنها به نسبت کم است.
۲. فرضیه اجتماعی شدن که در آن، ارزشهای اصلی شخص تا حد زیادی بازتاب اوضاع حاکم در سالهای قبل از بلوغ وی است. (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ص ۶۱)

این دو فرضیه با هم مجموعه به هم پیوسته‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزشها را پدید می‌آورند: اول، در حالی که فرضیه کمیابی دلالت بر این دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزشهای فرامادی می‌انجامد، فرضیه اجتماعی شدن مبین این است که نه ارزشهای فردی و نه ارزشهای یک جامعه، یک شبه تغییر نمی‌کنند. برعکس، دگرگونی اساسی ارزشها به تدریج و بیشتر به طرز نامرئی روی می‌دهد. این دگرگونی در مقیاس وسیع وقتی پدید می‌آید که یک نسل، جانشین نسل مسن‌تر در جمعیت بزرگسال یک جامعه می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ص ۷۷). بر همین اساس، اینگلهارت در کار خود حضور مجموعه‌ای از تغییرات در سطح نظام را باعث تغییرات در سطح فردی و به همین ترتیب، پیامدهایی برای نظام می‌داند.

صنعتی شدن و مدرنیزه شدن، دو مفهوم کلیدی در تغییرات اجتماعی هستند؛ صنعتی شدن منجر به جامعه صنعتی و مدرنیزاسیون منجر به جامعه مدرن شد (همان، ص ۵). جامعه صنعتی تأکید خاصی بر فناوری و جوانب فناورانه تغییر اجتماعی در سازمانها و اجتماعات و در فرایندهایی از انسجام و عدم انسجام و به همان سان، تحرک جغرافیایی و اجتماعی داشته است. اما عامل فناورانه که بر نظام صنعتی غالب شد، صرفاً این نبود. بُعد مهم دیگر، اهمیت تسلط فرهنگی است که ارزشها و هنجارها در نظام مبتنی بر شکل اجتماعی سرمایه‌داری رشد یافته‌اند؛ حداکثری از اعتقادات اقتصادی، محاسبه‌گری در سرمایه‌داری و به طور کلی، روابط ابزاری که در جهت سودمندی توسعه یافته‌اند.

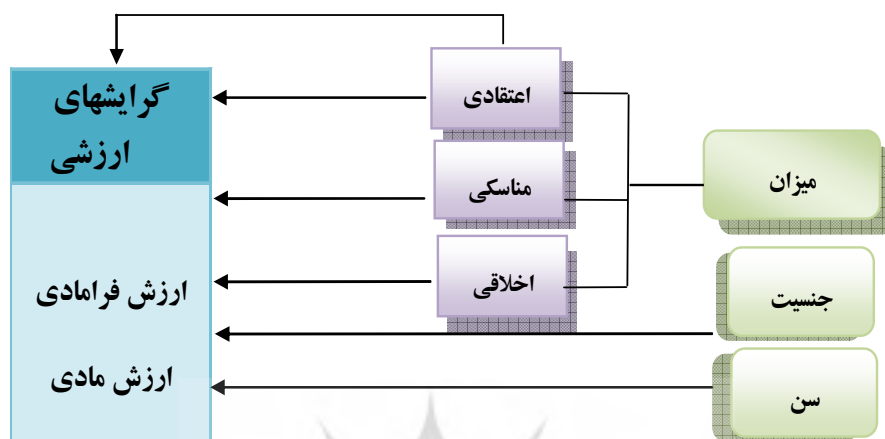
بررسی تأثیر عوامل دینی و جمیعی بر روی گرایشهای ارزشی دانشجویان ♦ ۱۷۵

مدرنیزاسیون صرفاً شامل متغیرهای بیرونی نمی‌شود، بلکه شامل انتقال عمیق نگرشها، عقاید و رفتارها که انتقال اجزای فرهنگی است نیز می‌شود. هر چند ارزشهای غالب در جامعه صنعتی به طور واضح گرایش به رفع و تکمیل نیازها دارند، با ثبات اقتصادی، گرایش به استانداردهای بالاتر زندگی ایجاد می‌شود. در نتیجه، باعث ارزشهای پست‌مدرن در جوامع پیشرفته صنعتی می‌شود: علایق زیباشناختی و خردمندی، احساس تعلق به جمع و جامعه بیشتر آموزش دیده و غیر شخصی (خالقی فر، ۱۳۸۱، ص ۱۰۴-۱۰۳). اینگلههارت در این باره، می‌گوید: تحول فرهنگی خیلی وسیعی در فرهنگ معاصر غرب رخ داده است. همچنین وی ابراز می‌دارد که: خیزش سطوح توسعه اقتصادی، سطوح بالاتر آموزش، اشاعه، رسانه‌های جمعی و برخاستن دولت رفاه، منجر به تغییر در مهم‌ترین ارزشها می‌شود. اینگلههارت رابطه امنیت اقتصادی و جانی و افول هنجارهای مذهبی را بررسی می‌کند. وی یکی از عوامل مؤثر بر کاهش ارزشهای سنتی در جامعه پیشرفته صنعتی را افزایش احساس امنیت می‌داند که این امر نیاز به هنجارهای مطلق را کم‌رنگ می‌کند. افراد تحت فشارهای روانی نیاز به مقررات قابل پیش‌بینی و خشک دارند. آنها نیاز به آن دارند که از آنچه روی می‌دهد اطمینان حاصل کنند؛ زیرا در خطرند و فاصله‌شان تا خطا کم است. این موضوع مشابه امنیت وجودی است که گیدنز مطرح کرده است (همان، ص ۱۰۱). افزایش امنیت سبب نوعی تغییر ارزش به سمت ارزشهای سکولار، تحمل بیشتر، اعتماد، آسایش ذهنی و دید فرامادی می‌شود. در حالی که اضمحلال اقتصادی و اجتماعی، جامعه را در جهت مخالفت سوق می‌دهد، از لحاظ نظری افزایش سطح امنیت وجودی عامل اصلی در تغییر ارزشهای بین نسلی است؛ چرا که نسلی یک حافظه جمعی دارند که در سنین اولیه زندگی آنان شکل می‌گیرد. بنابر این، انتظار تفاوت اساسی بین ارزشهای جوانان و سالمندان در جایی که شاهد رشد امنیت باشیم، وجود دارد. (همان، ص ۱۱۴)

▪ فرضیه‌ها

۱. بین میزان دینداری و نوع گرایشهای ارزشی رابطه وجود دارد.
۲. بین میزان دینداری (بعُد اعتقادی) و نوع گرایشهای ارزشی رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان دینداری (بعُد اخلاقی) و نوع گرایشهای ارزشی رابطه وجود دارد.
۴. بین میزان دینداری (بعُد مناسکی) و نوع گرایشهای ارزشی رابطه وجود دارد.
۵. بین جنس و نوع گرایشهای ارزشی رابطه وجود دارد.
۶. بین سن و نوع گرایشهای ارزشی رابطه وجود دارد..

▪ الگوی تحقیق



▪ پیشینه تجربی

اسفندیار آزاد مرزآبادی، در سال ۱۳۸۶، تحقیقی را با عنوان «بررسی ارتباط میان نظام ارزشی نوجوانان و هویت ملی آنان» انجام داده است. بر این اساس، تعداد ۹۸۴ نفر از نوجوانان دبیرستانهای شهر تهران که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده بودند، مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده در تحقیق، شامل دو پرسشنامه ارزشهای ادواری شوارتز و پرسشنامه محقق ساخته بوده است. بر اساس نتایج به دست آمده، مشخص شد که بالاترین میانگین را در بین ارزشهای ده‌گانه، همنوایی و پایین‌ترین رتبه را سنتها و لذت‌گرایی به دست آورده است. به علاوه، نتایج حاکی از آن است که بین گرایش نوجوانان به نظام ارزشی و هویت ملی آنان، ارتباط معنادار وجود دارد.

تیموری، در سال ۱۳۷۷ در موضوعی با عنوان بررسی مقایسه نظام ارزشهای پدران و پسران و عوامل مؤثر در شهر تهران، به بررسی نظام ارزشی پسران و تفاوت نظام ارزشهای پسران با پدران پرداخت. این تحقیق به روش پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه به عمل آمد و جامعه آماری آن، کل دانش‌آموزان پسر سال سوم رشته‌های علوم تجربی و ریاضی و فیزیک دبیرستانهای تهران در مناطق ۲۰ گانه و نمونه آن ۱۴۶۰ نفر بود. در این تحقیق، به بررسی تأثیر عواملی چون: پایگاه اجتماعی، گروه همسالان، میزان تماشای تلویزیون، منطقه سکونت، بُعد خانواده، نوع مدرسه، تحصیلات پدر، منزلت شغلی پدر، محل تولد پدر، منطقه آموزش و پرورش و فرزند چندم، بر نظام ارزشی پسران و پدران پرداخته و نتیجه گرفته که بین متغیرهایی چون: میزان ارتباط با گروه همسالان، بُعد خانوار، تماشای تلویزیون، مسافرت به خارج، منطقه سکونت،

بررسی تأثیر عوامل دینی و جمعیتی بر روی گرایشهای ارزشی دانشجویان ♦ ۱۷۷

نوع مدرسه، تحصیلات پدر و منزلت شغلی با نظام ارزشی نوجوانان، رابطه معکوس و مستقیم؛ بین پایگاه اجتماعی خانواده با گرایش به ارزشهای اقتصادی، هنری، سیاسی نوجوانان رابطه مستقیم و بین پایگاه اجتماعی خانواده با گرایش به ارزشهای اجتماعی، مذهبی نوجوانان رابطه معکوس وجود دارد.

ارمکی، در سال ۱۳۸۳ در موضوعی تحت عنوان «شکاف بین نسلی در ایران» به بررسی تفاوت نسلی در ایران پرداخت. اطلاعات این تحقیق به شیوه مصاحبه حضوری جمع‌آوری و پس از گردآوری در پرسشنامه، تجزیه و تحلیل شده است. جامعه آماری، جمعیت مناطق تهران و کاشان و نمونه آن ۱۶۰۹ نفر بود. در این تحقیق، تأثیر عواملی چون: حضور و مشارکت زنان، نوگرایی، خردگرایی، غرور ملی، نگاه به خانواده، مرجع‌ها و دین بر تفاوت بین نسلها بررسی شده است. از بین این فرضیه‌ها: حضور و مشارکت زنان، نوگرایی و خردگرایی، غرور و مرجع‌ها اثبات و نگاه به خانواده و دین رد شده است.

▪ روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر، روش پیمایشی است تا توصیف و تبیین اطلاعات جمع‌آوری شده در خصوص موضوع تحقیق (بررسی تأثیر عوامل دینی و جمعیتی بر روی گرایشهای ارزشی دانشجویان) بر مبنای آن انجام پذیرد.

آزمودنی‌ها و جامعه آماری: جامعه آماری تحقیق حاضر عبارت است از تمامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران. بنا به آمار آموزش عالی کشور، حدود ۱۹۰۰۰ نفر در دوره‌های متفاوت آموزش عالی روزانه دولتی در مراکز آموزش عالی و دانشگاهها مشغول به تحصیلند. با توجه به تحقیقات قبلی و با عنایت به قوانین آماری، محاسبه حجم نمونه به شرح ذیل انجام شد:

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2}$$

که در آن N تعداد دانشجویان کل و t^2 برابر ۳/۸۴، s برابر ۲/۲ و d برابر ۰/۰۲۵ است. بنابراین:

$$n = \frac{19,000 \times 3,84(2,2)^2}{19,000 \times (0/025)^2 + 3,84 \times (2,2)^2} = 285$$

و بر اساس فرمول نمونه کوکران، حجم نمونه آماری این پژوهش، ۲۸۵ نفر انتخاب شد.

روش نمونه‌گیری: به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز در افراد جامعه، روش نمونه‌گیری در این تحقیق، روش تصادفی ساده است.

ابزار اندازه‌گیری: ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه است. برای سنجش روایی و پایایی پرسشنامه، ابتدا تعداد ۴۰ پرسشنامه را بین نمونه آماری (دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران)

توزیع کرده، با آزمونهای آلفای کرونباخ، اعتبار پرسشنامه را سنجیدیم که اعتبار آن، ۷۰ درصد بوده است. در این تحقیق از آزمونهای اسپیرمن، پیرسون و کای دو استفاده شده است و سطح اطمینان (α) برای آزمون فرضیه‌ها ۹۵ درصد است؛ یعنی با پنج درصد خطا و ۹۵ درصد اطمینان، فرضیه تأیید می‌شود.

▪ تعریف نظری

سن: به تعداد سالهایی که فرد زندگی کرده است.

جنسیت: یعنی مذکر یا مؤنث بودن افراد.

دینداری: به معنای داشتن تجربه دینی است. به عبارت دیگر؛ دیندار کسی است که با ادراک شهودی، امر نامتناهی را تجربه کرده است. این تجربه؛ یعنی ادراک حس امر نامتناهی؛ یعنی احساس وابستگی مطلق به امر نامتناهی، یگانه و سرمدی. (قنبری، ۱۳۸۶، ص ۳۵)

دینداری (بُعد اعتقادی): اصول اعتقادی اسلام؛ یعنی ایمان و عقیده به توحید، نبوت و معاد. این سه اصل، شالوده دینت اسلام را تشکیل می‌دهند؛ به گونه‌ای که همه گزاره‌های خبری و انشایی که در این آیین آمده، معنا بخشی خود را وامدار یکی از این اصول یا هر سه آنهاست. (دزاکام، ۱۳۸۵، ص ۸۵)

دینداری (بُعد اخلاقی): دومین پیام مهم اسلام و قرآن، اخلاق است؛ یعنی اصول اخلاقی‌ای که انسان باید مطابق و موافق با آن زندگی کند و نیز به کاربرد اصول عنایت ویژه دارد. پیوسته عواقب و نتایج نهایی اعمال انسانها را به او تذکر می‌دهد و این واقعیت را به او می‌آموزد که نتایج و آثار اعمال بشر نه تنها در دنیا، که در آخرت نیز گریبان او را رها نخواهد کرد و خداوند از ما انتظار دارد که نیکی کنیم و عادل و مهربان و پارسا باشیم. در سراسر قرآن، نه تنها به گناهان (تخطی از اصول اخلاقی) خاص و مشخصی چون: دزدی، قتل نفس، زنا و نظایر آن اشاره شده، بلکه اصول کافی متمایز کننده خیر و شر اعمال نیز ارائه شده است. محکم‌ترین تعبیر قرآن در این زمینه، همانا «تقوا» است که می‌توان آن را به ترس آمیخته با احترام از خداوند معنا کرد که در زندگی و اعمال و افعال بشر بازتاب می‌یابد (و در حقیقت؛ این ترس، از خود را در محضر خداوند دیدن، حاصل می‌شود). خطوط کلی اخلاقیات اسلام، در ضمن بخشهای مختلف اخلاق فردی، خانوادگی، روابط اجتماعی، اقتصادی و غیر آنها قرار می‌گیرد. (همان، ص ۹۱)

دینداری (بُعد مناسکی): از آنجا که پیام اصلی اسلام، توحید است و یکی از مراحل توحید، توحید در عبادت؛ پس از قبول قلبی و اقرار زبانی به شهادتین، باید «عمل به ارکان» را مکمل موحد بودن شمرد. عبادت در معنای عام آن، بندگی و اجرای دستورات الهی در همه امور است. البته باید به قصد تقرّب به خداوند صورت گیرد و بالاترین سرّ و راز عبادت همین تعبّد است. عبادات یا وظایف عملی، بخش مهمی

بررسی تأثیر عوامل دینی و جمیعی بر روی گرایشهای ارزشی دانشجویان ♦ ۱۷۹

از مجموعه اعمال و رفتاری را تشکیل می‌دهند که در فرهنگ اسلامی با عنوان فروع دین شناخته شده و در کنار اصول دین قرار می‌گیرد. در آموزشهای معمول شیعه، در شمارش این فروع: نماز، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و توکی و تبری جای دارد. اما نزد مذهب اهل سنت، برخی از این فروع چندان توسعه نیافته و بر آنها تأکید نشده است. (همان)

▪ تعاریف عملیاتی

○ ارزشهای مادی:

۱. افزایش رشد اقتصادی؛ ۲. موفقیت را مدیون تلاش خودم هستم؛ ۳. بهتر است همسایه‌ها همدیگر را نشناسند؛ ۴. آپارتمان‌نشینی را دوست دارم؛ ۵. کار برایم هدف است؛ ۶. بیشتر درآمد داشته باشم و بیشتر خرج کنم؛ و غیره.

○ ارزشهای فرامادی:

۱. پیشرفت به سوی جامعه‌ای که در آن، اندیشه ارزشمندتر از پول و ثروت است؛ ۲. در موفقیت دیگران خیلی به من کمک کردند؛ ۳. همسایه‌ها باید همدیگر را بشناسند؛ ۴. خانه‌های حیاطدار را دوست دارم؛ ۵. کار برایم وسیله است؛ ۶. بیشتر قناعت می‌کنم؛ و غیره.

جنسیت: ۱. مرد؛ ۲. زن.

سن: ذکر دقیق سن فرد.

دینداری^۱: ۱. اعتقادات؛ ۲. اخلاقیات؛ ۳. مناسک.

اعتقادات: ۱. باور به وجود خداوند؛ ۲. توحید (باور به یگانگی خدا)؛ ۳. باور به غیب و ماوراءالطبیعه؛ ۴. نبوت (باور به پیامبران الهی)؛ ۵. معاد (باور به جهان آخرت و زندگی پس از مرگ)؛ ۶. باور به عدالت خدا و غیره.

اخلاقیات: ۱. صداقت و راستی؛ ۲. امانتداری و پرهیز از خیانت؛ ۳. ترجیح حق بر باطل؛ ۴. وفای به عهد و پیمان؛ ۵. اجتناب از دورویی (نفاق)؛ ۶. اجتناب از دروغ و غیره.

مناسک: ۱. اقامه نماز؛ ۲. روزه‌داری؛ ۳. پرهیز از حرام‌خوری؛ ۴. حج؛ ۵. جهاد در راه خداوند؛ ۶. ذکر خداوند و غیره.

۱. لازم به ذکر است که آقای دژاکام در تحقیق خود علاوه بر بُعد اعتقادی، اخلاقی و مناسکی بُعد احساسی را نیز آورده بود. ولی در این تحقیق، از سه بُعد اعتقادی، اخلاقی و مناسکی استفاده شده است.

▪ یافته‌ها تحقیق

با توجه به جدول ۱، بیشترین گرایش به ارزشهای مادی، به افرادی تعلق دارد که کمترین اهمیت را برای مسئله دینداری قائل بودند (میزان گرایشهای ارزشی: ۱۹.۵ درصد مادی، ۲۲ درصد بینابین و ۵۸.۵ درصد فرامادی). بیشترین گرایش به ارزشهای فرامادی، به افرادی تعلق دارد که بیشترین اهمیت را برای مسئله دینداری قائل بودند (میزان گرایشهای ارزشی: ۲.۳ درصد مادی، ۹.۳ درصد بینابین و ۸۸.۴ درصد فرامادی). بنابر این، هر چه افراد به مسائل دینی اهمیت بیشتری می‌دهند، گرایش به ارزشهای فرامادی بیشتر می‌شود.

جدول ۱: اطلاعات توصیفی میزان دینداری و گرایشهای ارزشی

میزان دینداری و گرایشهای ارزشی							
جمع	گرایشهای ارزشی			درصد	کم	میزان دینداری	
	فرامادی	بینابین	مادی				
۱۰۰٪	۵۸.۵٪	۲۲٪	۱۹.۵٪	درصد	کم		
۱۰۰٪	۶۰.۶٪	۲۵٪	۱۴.۴٪	درصد	متوسط		
۱۰۰٪	۸۸.۴٪	۹.۳٪	۲.۳٪	درصد	زیاد		
۱۰۰٪	۶۴.۸٪	۲۲٪	۱۳.۳٪	درصد	جمع		

فرضیه ۱: بین میزان دینداری و میزان گرایشهای ارزشی، رابطه وجود دارد.

نتایج به دست آمده از اجرای آزمون همبستگی اسپیرمن در جدول ۲ نشان می‌دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده، رقمی معادل ۰.۲۱۳ و سطح اعتبار حاصله برابر با ۰/۰۰۰ است. با توجه به اینکه سطح اعتبار به دست آمده کوچک‌تر از ۰.۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که فرض یک، تأیید و فرض صفر آن رد می‌شود. به عبارت دیگر؛ بین میزان دینداری و گرایشهای ارزشی، رابطه وجود دارد.

جدول ۲: اطلاعات توصیفی آزمون همبستگی مربوط به میزان دینداری و گرایشهای ارزشی

میزان دینداری و گرایشهای ارزشی			
میزان دینداری	گرایشهای ارزشی	شدت اسپیرمن	میزان دینداری و گرایشهای ارزشی
۱	۰.۲۱۳	سطح اعتبار	
۰	۰/۰۰۰	تعداد	
۲۶۴	۲۶۴		

با توجه به جدول ۳، بیشترین گرایش به ارزشهای مادی، به افرادی تعلق دارد که کمترین اهمیت را برای مسئله دینداری (بعُد اعتقادی) قائل بودند (میزان گرایشهای ارزشی: ۲۲.۷ درصد مادی، ۲۵.۳ درصد بینابین

بررسی تأثیر عوامل دینی و جمعیتی بر روی گرایشهای ارزشی دانشجویان ۱۸۱

و ۵۲ درصد فرامادی). بیشترین گرایش به ارزشهای فرامادی، به افرادی تعلق دارد که بیشترین اهمیت را برای مسئله دینداری (بعُد اعتقادی) قائل بودند (میزان گرایشهای ارزشی: ۷.۷ درصد مادی، ۱۸.۷ درصد بینابین و ۷۳.۶ درصد فرامادی). بنابر این، هر چه افراد به مسائل دینی (بعُد اعتقادی) اهمیت بیشتری می دهند، گرایش به ارزشهای فرامادی بیشتر می شود.

جدول ۳: اطلاعات توصیفی میزان دینداری (بعُد اعتقادی) و گرایشهای ارزشی

میزان دینداری (بعُد اعتقادی) و گرایشهای ارزشی						
جمع	گرایشهای ارزشی			درصد	کم	میزان دینداری (بعُد اعتقادی)
	فرامادی	بینابین	مادی			
۱۰۰٪	۵۲٪	۲۵.۳٪	۲۲.۷٪	درصد	کم	میزان دینداری (بعُد اعتقادی)
۱۰۰٪	۶۴.۲٪	۲۵.۷٪	۱۰.۱٪	درصد	متوسط	
۱۰۰٪	۷۳.۶٪	۱۸.۷٪	۷.۷٪	درصد	زیاد	
۱۰۰٪	۶۴٪	۲۳.۳٪	۱۲.۷٪	درصد	جمع	

فرضیه ۲: بین میزان دینداری (بعُد اعتقادی) و میزان گرایشهای ارزشی، رابطه وجود دارد. با توجه به جدول ۲ نتایج به دست آمده از اجرای آزمون همبستگی اسپیرمن در جدول ۴ نشان می دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده، رقمی معادل ۰.۱۸۹ و سطح اعتبار حاصله برابر با ۰.۰۰۲ است. با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار به دست آمده کوچکتر از ۰.۰۵ است، می توان نتیجه گرفت که فرض یک، تأیید و فرض صفر آن رد می شود. به عبارت دیگر؛ بین میزان دینداری (بعُد اعتقادی) و گرایشهای ارزشی، رابطه وجود دارد.

جدول ۴: اطلاعات توصیفی آزمون همبستگی مربوط به میزان دینداری (بعُد اعتقادی) و گرایشهای ارزشی

میزان دینداری (بعُد اعتقادی) و گرایشهای ارزشی			
میزان دینداری (بعُد اعتقادی)	گرایشهای ارزشی	شدت اسپیرمن	میزان دینداری (بعُد اعتقادی) و گرایشهای ارزشی
۱	۰.۱۸۹	سطح اعتبار	
۰	۰.۰۰۲	تعداد	
۲۵۷	۲۵۷		

با توجه به جدول ۵، بیشترین گرایش به ارزشهای مادی، به افرادی تعلق دارد که به مسائل دینی (بُعد اخلاقی) کمتر توجه دارند (میزان گرایشهای ارزشی: ۳۱.۱ درصد مادی، ۱۳.۳ درصد بینابین و ۵۵.۶ درصد فرامادی). بیشترین گرایش به ارزشهای فرامادی، به افرادی تعلق دارد که مسائل دینی (بُعد اخلاقی) بیشتر برای آنها اهمیت دارند (میزان گرایشهای ارزشی: ۷.۹ درصد مادی، ۲۲.۸ درصد بینابین و ۶۹.۳ درصد فرامادی). بنابر این، هر چه افراد به مسائل دینی از بُعد اخلاقی بیشتر توجه دارند، گرایش به ارزشهای فرامادی بیشتری دارند.

جدول ۵: اطلاعات توصیفی میزان دینداری (بُعد اخلاقی) و گرایشهای ارزشی

میزان دینداری (بُعد اخلاقی) و گرایشهای ارزشی						
جمع	گرایشهای ارزشی			درصد	کم	میزان دینداری (بُعد اخلاقی)
	فرامادی	بینابین	مادی			
۱۰۰٪	۵۵.۶٪	۱۳.۳٪	۳۱.۱٪	درصد	کم	میزان دینداری (بُعد اخلاقی)
۱۰۰٪	۶۳.۵٪	۲۶.۲٪	۱۰.۳٪	درصد	متوسط	
۱۰۰٪	۶۹.۳٪	۲۲.۸٪	۷.۹٪	درصد	زیاد	
۱۰۰٪	۶۴.۳٪	۲۲.۸٪	۱۲.۹٪	درصد	جمع	

فرضیه ۳: بین میزان دینداری (بُعد اخلاقی) و میزان گرایشهای ارزشی رابطه وجود دارد. با توجه به جدول ۶، نتایج به دست آمده از اجرای آزمون همبستگی اسپیرمن در جدول ۶ نشان می‌دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل ۰/۱۲۹ و سطح اعتبار حاصله برابر با ۰.۰۳۳ است. با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار به دست آمده کوچک‌تر از مقدار ۰.۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که فرض یک، تأیید و فرض صفر آن رد می‌شود. به عبارت دیگر؛ بین میزان دینداری (بُعد اخلاقی) و گرایشهای ارزشی رابطه وجود دارد.

جدول ۶: اطلاعات توصیفی آزمون همبستگی مربوط به میزان دینداری (بُعد اخلاقی) و گرایشهای ارزشی

میزان دینداری (بُعد اعتقادی) و گرایشهای ارزشی			
میزان دینداری (بُعد اخلاقی)	گرایشهای ارزشی	شدت اسپیرمن	میزان دینداری (بُعد اخلاقی) و گرایشهای ارزشی
۱	۰/۱۲۹	سطح اعتبار	
۰	۰.۰۳۳	تعداد	
۲۷۲	۲۷۲		

بررسی تأثیر عوامل دینی و جمعیتی بر روی گرایشهای ارزشی دانشجویان ♦ ۱۸۳

با توجه به جدول ۷، بیشترین گرایش به ارزشهای مادی به افرادی تعلق دارد که کمترین اهمیت را به مناسک دینی می‌دهند (میزان گرایشهای ارزشی: ۱۲.۷ درصد مادی، ۲۸.۴ درصد بینابین و ۵۸.۸ درصد فرامادی). بیشترین گرایش به ارزشهای فرامادی به افرادی تعلق دارد که بیشترین اهمیت را به مناسک دینی می‌دهند (میزان گرایشهای ارزشی: ۱۵.۷ درصد مادی، ۷.۸ درصد بینابین و ۷۶.۵ درصد فرامادی). بنابراین، هر چه افراد به مناسک اهمیت بیشتری می‌دهند، تمایل به ارزشهای فرامادی بیشتر می‌شود.

جدول ۷: اطلاعات توصیفی میزان دینداری (بعُد مناسکی) و گرایشهای ارزشی

میزان دینداری (بعُد مناسکی) و گرایشهای ارزشی						
جمع	گرایشهای ارزشی			درصد	کم	میزان دینداری (بعُد مناسکی)
	فرامادی	بینابین	مادی			
۱۰۰٪	۵۸.۸٪	۲۸.۴٪	۱۲.۷٪	درصد	کم	
۱۰۰٪	۶۴.۱٪	۲۳.۹٪	۱۲٪	درصد	متوسط	
۱۰۰٪	۷۶.۵٪	۷.۸٪	۱۵.۷٪	درصد	زیاد	
۱۰۰٪	۶۴.۴٪	۲۲.۶٪	۱۳٪	درصد	جمع	

فرضیه ۴: بین میزان دینداری (بعُد مناسکی) و میزان گرایشهای ارزشی، رابطه وجود دارد. با توجه به جدول ۲، نتایج به دست آمده از اجرای آزمون همبستگی اسپیرمن در جدول ۸ نشان می‌دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل ۰.۰۹۹ و سطح اعتبار حاصله برابر با ۰.۱۰۴ است. با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار به دست آمده بزرگ‌تر از مقدار ۰.۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که فرض یک، رد و فرض صفر آن تأیید می‌شود. به عبارت دیگر؛ بین اهمیت به مناسک و گرایشهای ارزشی، رابطه وجود ندارد.

جدول شماره ۸: اطلاعات توصیفی آزمون همبستگی مربوط به میزان دینداری (بعُد اعتقادی) و

گرایشهای ارزشی

میزان دینداری (بعُد مناسکی) و گرایشهای ارزشی			
میزان دینداری (بعُد مناسکی)	گرایشهای ارزشی		
۱	۰.۰۹۹	شدت اسپیرمن	میزان دینداری (بعُد مناسکی) و گرایشهای ارزشی
۰	۰.۱۰۴	سطح اعتبار	
۲۷۰	۲۷۰	تعداد	

با توجه به جدول ۹، زنان نسبت به مردان از گرایشهای ارزشی مادی بیشتری برخوردارند و مردان گرایش بیشتری به ارزشهای فرامادی دارند.

جدول ۹: اطلاعات توصیفی نوع گرایشهای ارزشی و جنس

سن و نوع گرایشهای ارزشی					
جمع	نوع گرایشهای ارزشی			درصد	
	فرامادی	بینابین	مادی		
۱۰۰٪	۶۱.۵٪	۲۴.۱٪	۱۴.۴٪	درصد	مرد
۱۰۰٪	۶۵.۲٪	۲۴.۷٪	۱۰.۱٪	درصد	زن
۱۰۰٪	۶۲.۷٪	۲۴.۳٪	۱۳٪	درصد	جمع

فرضیه ۵: بین جنس و نوع گرایشهای ارزشی، رابطه وجود دارد.

با توجه به جدول ۱۰، نتایج به دست آمده از اجرای آزمون همبستگی کای دو در جدول زیر نشان می‌دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده، ۱.۵۲۱ و سطح اعتبار حاصل، ۰.۴۶۷ است. با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار به دست آمده بزرگ‌تر از ۰.۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه پنجم، رد و فرض صفر آن تأیید می‌شود. به عبارت دیگر؛ بین جنس و نوع گرایشهای ارزشی، رابطه وجود ندارد.

جدول ۱۰: اطلاعات توصیفی آزمون همبستگی مربوط به نوع گرایشهای ارزشی و جنس

نوع گرایشهای ارزشی و جنس			
جنس	نوع گرایشهای ارزشی		
۱	۱.۵۲۱	شدت کای دو	نوع گرایشهای ارزشی و جنس
۰	۰.۴۶۷	سطح اعتبار	
۲۸۴	۲۸۴	تعداد	

با توجه به جدول ۱۱، بیشترین گرایش به ارزشهای مادی، به گروه سنی ۲۹ سال و بیشتر تعلق دارد (میزان گرایشهای ارزشی گروهی سنی ۲۹ سال و بیشتر: ۵۲.۴ درصد مادی، ۱۴.۳ درصد بینابین و ۳۳.۳ درصد فرامادی). بیشترین گرایش به ارزشهای فرامادی، به گروهی سنی ۲۱ تا ۲۴ سال تعلق دارد (میزان گرایشهای ارزشی گروه سنی ۲۱ تا ۲۴ سال: ۹.۵ درصد مادی، ۲۰.۶ درصد بینابین و ۶۹.۸ درصد فرامادی). بنابراین، هر چه سن افراد بیشتر می‌شود، گرایش به ارزشهای مادی نیز بیشتر می‌شود.

جدول ۱۱: اطلاعات توصیفی سن و نوع گرایشهای ارزشی

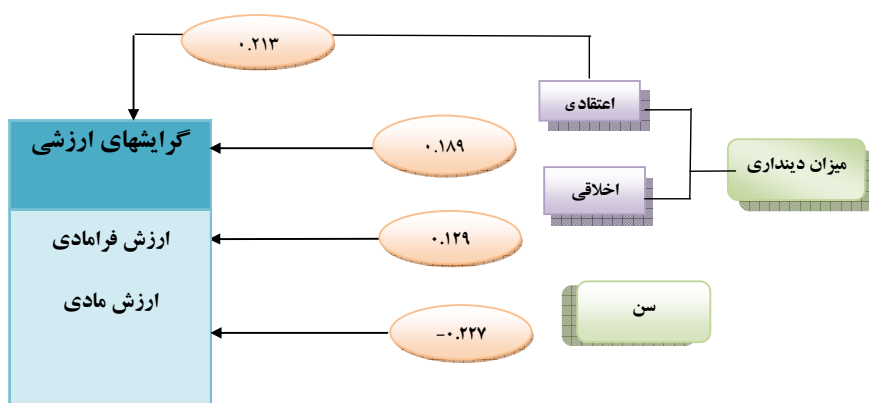
سن و نوع گرایشهای ارزشی						
جمع	نوع گرایشهای ارزشی					
	فرامادی	بینابین	مادی			
۱۰۰٪	۶۹٫۸٪	۲۰٫۶٪	۹٫۵٪	درصد	۲۱ تا ۲۴ سال	سن
۱۰۰٪	۶۰٫۹٪	۲۸٫۱٪	۱۰٫۹٪	درصد	۲۵ تا ۲۸ سال	
۱۰۰٪	۳۳٫۳٪	۱۴٫۳٪	۵۲٫۴٪	درصد	۲۹ سال و بیشتر	
۱۰۰٪	۶۲٫۹٪	۲۳٫۶٪	۱۳٫۵٪	درصد	جمع	

فرضیه ۶: بین سن و نوع گرایشهای ارزشی، رابطه وجود دارد.

با توجه به جدول ۱۲، نتایج به دست آمده از اجرای آزمون همبستگی پیرسون در جدول زیر نشان می‌دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل -۰.۲۲۷ و سطح اعتبار حاصل، ۰.۰۰۰ است. با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار به دست آمده کوچک‌تر از ۰.۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که فرض یک، تأیید و فرض صفر آن رد می‌شود. به عبارت دیگر؛ بین سن و نوع گرایشهای ارزشی، رابطه وجود دارد؛ ولی جهت رابطه، معکوس است؛ یعنی هر چه سن افراد بیشتر می‌شود، بیشتر به ارزشهای مادی تمایل پیدا می‌کنند.

جدول ۱۲: اطلاعات توصیفی آزمون همبستگی مربوط به سن و گرایشهای ارزشی

سن و گرایشهای ارزشی		
سن	گرایشهای ارزشی	
۱	-۰.۲۲۷	شدت پیرسون
۰	۰.۰۰۰	سطح اعتبار
۲۸۵	۲۸۵	تعداد



نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر نشان داد که میزان دینداری بر گرایش به ارزشهای مادی و فرامادی اثرگذار است؛ بدین صورت که هر چه میزان دینداری دانشجویان بیشتر باشد، گرایش آنان به ارزشهای فرامادی بیشتر است. بنابر این، بین این دو متغیر رابطه مستقیم وجود دارد و این نشان می‌دهد مسئولانی که دغدغه ارزشها و هنجارهای اجتماعی را دارند، باید بیشتر در زمینه دینداری کار کنند تا بتوانند جوانان کشورمان را بیشتر به ارزشهای فرامادی سوق دهند و نگذارند کشورهای غربی با امپراتوری رسانه‌ای خود، ارزشهای مادی را به جامعه تزریق کنند.

میزان دینداری (بعد اعتقادی) بر گرایش به ارزشهای مادی و فرامادی تأثیر دارد؛ بدین صورت که هر چه میزان بعد اعتقادی دانشجویان بیشتر باشد، گرایش آنها به ارزشهای فرامادی بیشتر است. این امر نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه مستقیم وجود دارد.

میزان دینداری (بعد اخلاقی) بر گرایش به ارزشهای مادی و فرامادی تأثیرگذار است؛ یعنی هر چه میزان بعد اخلاقی دانشجویان کمتر باشد، گرایش آنها به ارزشهای مادی بیشتر است.

میزان دینداری (بعد مناسکی) بر گرایش به ارزشهای مادی و فرامادی به لحاظ آماری تأثیر ندارد؛ ولی هر چه میزان بعد مناسکی دانشجویان بیشتر باشد، گرایش به ارزشهای فرامادی در آنان بیشتر است. آنچه مهم است اینکه، مناسک دینی باعث افزایش انسجام اجتماعی می‌شود و می‌توان ارزشهای جامعه را بیشتر در جامعه انتقال داد. لذا نباید از این مسئله و فرصت غافل شد.

جنسیت بر گرایش به ارزشهای مادی و فرامادی به لحاظ آماری تأثیر ندارد؛ ولی دانشجویان دختر نسبت به پسران کمتر به ارزشهای فرامادی گرایش دارند. باید دقت کرد اختلاف گرایشهای ارزشی، باعث شکاف اندیشه‌ای بین دختران و پسران نشود.

بررسی تأثیر عوامل دینی و جمیعی بر روی گرایشهای ارزشی دانشجویان ♦ ۱۸۷

سن بر گرایش به ارزشهای مادی و فرامادی تأثیر دارد؛ هر چه میزان سن دانشجویان کمتر باشد، گرایش بیشتری به ارزشهای فرامادی دارند. در واقع؛ رابطه بین این دو متغیر، معکوس است؛ وقتی سن دانشجویان افزایش می‌یابد و باید به فکر تشکیل خانواده و تأمین زندگی خود باشند، به طور طبیعی گرایش به ارزشهای مادی در آنان بیشتر می‌شود. از طرفی ممکن است به نظر برسد دانشگاهها به نوعی ارزشهای مادی را ترویج می‌کنند؛ چون معمولاً افراد بالای ۲۵ سال، یا سال آخر دانشگاه هستند یا مقاطع بالاتر از کارشناسی را طی می‌کنند.

در کل، این تحقیق نشان داد حدود ۶۲.۹ درصد دانشجویان، به ارزشهای فرامادی گرایش دارند و ۲۳.۶ درصد، بینابین (هم مادی و هم فرامادی برای آنها مهم است) و تنها ۱۳.۵ درصد به ارزشهای مادی گرایش دارند و این جای بسی امیدواری است که جوانان (دانشجویان) به ارزشهای فرامادی گرایش بیشتری دارند. البته نباید این آمار باعث فریب ما شود؛ چون از طرفی ارزشهای مادی روز به روز از طریق رسانه‌های غربی در جامعه تبلیغ می‌شود و از طرف دیگر، این دانشجویان جزء نخبگان ما هستند و در بهترین دانشگاه و بهترین رشته در ایران تحصیل می‌کنند و از لحاظ آینده شغلی نسبت به رشته‌ها و دانشگاههای دیگر کمتر دغدغه دارند.

جامعه ما جامعه‌ای دینی و مذهبی است ولی از لحاظ اقتصادی در بین کشورهای جهان سوم قرار دارد، برای پیشرفت کشور باید روحیه گرایش به ارزشهای فرامادی را در جامعه افزایش داد و اگر ارزشهای مادی و روحیه فردگرایی و خودخواهی و مصرف‌گرایی در جامعه حاکم شود جامعه با مشکلات فراوانی مواجه می‌شود و امید به پیشرفت در جامعه کم‌رنگ می‌شود.

▪ پیشنهادها

نباید از ظرفیتهای دین غفلت کرد و تا آنجا که امکان دارد باید از آنها در جهت ترویج ارزشهای فرامادی استفاده کرد. نباید ارزشهای مادی را بد تلقی کرد؛ بلکه می‌شود آن را به فرصت تبدیل کرد؛ البته به گونه‌ای که مسائل فرهنگی کشور نیز مورد توجه بگیرد و آنچه با مسائل فرهنگی ما مغایرت ندارد را استفاده کرد. باید به معیشت، کار و ازدواج جوانان بیشتر توجه نشان داد. جوانان نباید مشکلات خود را از ناحیه دین و ارزشهای جامعه ببینند.

باید طی پژوهشی در سطح ملی، اوضاع جامعه را رصد کرد و بر اساس آن، اقدامات لازم را انجام داد.

منابع

- استونز، راب (۱۳۷۹)؛ **متفکران بزرگ جامعه‌شناسی**، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران، مرکز.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)؛ **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)؛ **جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی**، تهران، نی.
- حسینی بیجی کلا، سید ابراهیم و عبدالرضا بایاری (۱۳۹۰)؛ **شکاف بین نسلی**، تهران، نوآوران دانشگاه پارسه.
- خالقی‌فر، مجید (۱۳۸۱)؛ **بررسی ارزشها مادی / فرامادی دانشجویان دانشگاههای تهران و عوامل مؤثر بر آن**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- خلیفه، عبداللطیف (۱۳۷۸)؛ **بررسی روان‌شناختی تحول ارزشها**، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- دژاکام، علی (۱۳۸۵)؛ **شاخصهای دینداری با ابتنای بر کتاب و سنت**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸)؛ **آناطومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی**، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ظریفی، مجید (۱۳۷۷)؛ **بررسی سلسله مراتب ارزشها در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.
- فرامرزی، داود (۱۳۷۸)؛ «**نظریه ساختار مدور ارزشهای شوارتز**»، فصلنامه نامه پژوهش. پاییز و زمستان ۱۳۷۸ - شماره ۱۴ و ۱۵. صص ۱۰۷ تا ۱۳۰
- قنبری، حسن (۱۳۸۶)؛ «**دین و دینداری در الاهیات شایرماخر**»، اندیشه دینی، دانشگاه شیراز، ش ۲۳، ص ۴۰-۲۱.
- یوسفی، نریمان (۱۳۸۳)؛ **شکاف بین‌نسلی**، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

بررسی تأثیر عوامل دینی و جمعیتی بر روی گرایشهای ارزشی دانشجویان ♦ ۱۸۹

- Marisa Ferrari, Occhionero (2000). "Generations and value change across time", *International Review of Sociology*, Vol.10, Issue 2, P.223, 11P.
- Schwartz, S. & A. Bardi (2001). "Value Hierarchies Across Cultures, Taking a Similarities Perspective", *Journal of Cross Cultural Psychology*, 31, P.351-362.

